

روایت و شکل‌گیری آن در توئیتر فارسی: تحلیل شیوه‌های داستان‌گویی کاربران ایرانی در توئیتر در جریان زلزله کرمانشاه

حسین کرمانی^{*۱}

دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه تهران

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۳

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

Storytelling on Persian Twitter: Iranian users' narrativity practices on Twitter during the 2017 Kermanshah earthquake

Hossein Kermani^{*1}

Ph.D. in Social Communication Science, University of Tehran

Received: 2019/01/12

Accepted: 2019/09/04

Abstract

This study explores the essence of narratives and narrativity on Persian Twitter. Considering the importance of narratives in shaping human's cognition and understanding, it is necessary to know their structure and nature in digital age, especially on the favorite social platform for live reporting and communication in social, political and even natural crises: Twitter. Under the general guidelines of critical discourse studies and following on KhosraviNik's model of doing Critical Discourse Studies on social media spaces, this paper tries to understand how a narrative is produced on Twitter, and how it develops to a dominant one. The research was conducted using a tweet corpus of 23964 tweets, gathered in the first 24 hours after the 2017 Kermanshah earthquake. The results show that three different kinds of narratives are shaped on Twitter: Tweety narratives, Master narratives, and Connective narratives. These narratives generally have the essential elements of narrativity, while they lack some parts of a classic narrative. Furthermore, the findings confirm that the dominant narratives mainly advocate anti-state views and opinions. In fact, users framed and narrated the crisis by applying preexistent and emergent political stories to them.

Keywords: Narrative, Storytelling, Twitter, social media, Critical discourse studies.

چکیده

این مقاله به بررسی چگونگی شکل‌گیری و تحلیل روایت‌های کاربران در توئیتر فارسی در جریان زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ می‌پردازد. علاوه بر این، روایت‌های مسلط در توئیتر فارسی در این رویداد نیز شناسایی خواهد شد تا مشخص شود کدام روایت‌های کاربران در این رسانه اجتماعی هژمونیک بوده‌اند. با توجه به این که روایت‌های شکل‌گرفته در توئیتر هنوز موضوعی تازه است که محققان مشغول تحقیق درباره آن هستند، نمی‌توان چارچوب نظری متقنی برای آن یافت. به همین دلیل، ابتدا با مرور دیدگاه‌های موجود درباره روایت‌ها در توئیتر، (عمدتاً مدل ساختارگرایانه لاف والتزکی، بحث اوچس و کپس از کیفیت‌های روایی و رهیافت داستان‌های کوچک) تلاش می‌شود تا زمینه نظری مناسبی برای واکاوی این امر ایجاد شود. برای گردآوری داده‌ها، با استفاده از پلتفرم آنلاین دیسکاور تکست، ۲۳۹۶۴ توئیٹ در ۲۴ ساعت ابتدایی پس از وقوع زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ جمع‌آوری شد. سپس با انتخاب تصادفی یک نمونه ۱۵ درصدی و با تکیه بر روش تحلیل انتقادی گفتمان رسانه‌های اجتماعی، این توئیٹ‌ها تحلیل شد. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن بود که سه نوع روایت در توئیتر شکل می‌گیرد: روایت‌های منفرد، روایت‌های مرجع و روایت‌های وصلی. هر یک از این روایت‌ها در مقاله به تفصیل مورد بحث قرار گرفته‌اند. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که روایت‌های مرجع و روایت‌های وصلی مسلط اغلب انتقادی و سیاسی هستند.

کلیدواژه‌ها: روایت، داستان‌گویی، توئیتر، رسانه‌های اجتماعی، تحلیل گفتمان انتقادی.

مقدمه

داستان‌گویی و روایت کردن از راه‌های مهمی است که انسان همواره برای معنابخشیدن به جهان پیرامون خود استفاده کرده‌است. در واقع، هر چند این دو مفهوم تفاوت‌هایی دارند اما در علوم اجتماعی، از داستان‌گویی نیز در معنای روایت کردن استفاده می‌شود (اولرانشا و کرسول^۱، ۲۰۰۲). در یک تعریف ساده، روایت را می‌توان چارچوبی شناختی و مفهومی دانست که به فرد کمک می‌کند از طریق آن، معنای اتفاقات و رویدادهایی که مشاهده می‌کند یا از آنها باخبر می‌شود را درک کند. افراد با ساخت این چارچوب‌های شناختی، حوادث و رویدادهای گوناگون را به هم مرتبط ساخته و معنای آنها را با اعمال و دخیل کردن دیدگاه‌ها، تجربه‌ها، سلاقی و ایدئولوژی‌های خود برمی‌سازند. در واقع، ساخت روایت‌ها توسط افراد راهی برای تفسیر جهان است.

روایت، هنگامی که به عنوان ابزاری برای معنابخشی و بر ساخت جهان درک شود، بُعدی گفتمانی پیدا می‌کند (ون‌دایک و کینش^۲، ۱۹۸۳)؛ بُعدی که نشان‌دهنده نزاع گروه‌ها و افراد مختلف برای شکل دادن به روایت‌هاست. در واقع، افراد از طریق روایت‌ها معنای امور مختلف را تولید و درک می‌کنند و بنابراین وقتی کسی بتواند معنای موردنظر خود را از طریق روایت‌ها مسلط سازد، می‌تواند قدرت را نیز در دست بگیرد. به همین دلیل است که روایت، محملی برای نزاع بر سر قدرت است. در واقع، قدرت روایت‌ها ریشه در نقش آن برای تبدیل وقایع پیچیده به چارچوب‌های شناختی برای افراد دارد. اینجاست که هر گونه جذابیت، درگیرشدگی و تلاش برای اقناع شکل گرفته و درک می‌شود (راسل و همکاران^۳، ۲۰۱۴).

اهمیت روایت‌ها و روایت کردن با ظهور و فراگیر شدن رسانه‌های اجتماعی بیش از پیش نیز شده‌است (پیچ و همکاران^۴، ۲۰۱۳). در بین این رسانه‌ها، توئیتر نقش مهمی در روایت‌گری کاربران، خصوصاً در جریان رویدادهای جمعی (مانند اعتراضات سیاسی، رخداد‌های اجتماعی و حوادث طبیعی) یافته است (هوپکه^۵، ۲۰۱۵؛ پاپاچاریسی^۶، ۲۰۱۴). نقش توئیتر در این رویدادها اغلب به‌خاطر

قابلیت‌های فنی آن است (برنارد^۷، ۲۰۱۶). توئیتر مناسب‌ترین رسانه اجتماعی برای اطلاع‌رسانی‌های سریع و زنده‌است (هرمیدا^۸، ۲۰۱۰). محدودیت ۱۴۰ کاراکتری این شبکه میکروبلانگ‌نویسی^۹ باعث شده تا کاربران تنها بتوانند اصل مطلب را منتشر کنند. همچنین قابلیت ارجاع به دیگران، هشتگ زدن و تویییت مجدد تویییت‌های کاربران (ریتویییت) موجب می‌شود تا سرعت انتشار و شبکه‌سازی در این رسانه بالا برود. بازبودگی توئیتر نیز عامل دیگری برای تقویت نقش آن است. هر کاربر، خواه کاربر دیگر را دنبال کرده باشد یا خیر، می‌تواند به تویییت‌های دیگر کاربران دسترسی پیدا کند و هشتگ‌ها نیز کاربران را حول مسائل مشخص گرد هم جمع می‌کنند. همه این موارد باعث شده تا توئیتر در زمان وقوع بحران انتخاب اول کاربران باشد.

با وجود تحقیقات متعدد درباره نقش توئیتر در رویدادهای سیاسی اعم از ناآرامی‌ها، اعتراضات و انتخابات‌ها (بوژکوفسکی^{۱۰} و پاپاچاریسی^{۱۱}، ۲۰۱۸؛ بود و دالریمپه^{۱۲}، ۲۰۱۴؛ گونزاله بایلون^{۱۳}، ۲۰۱۵؛ توفکی^{۱۴}، ۲۰۱۷؛ ادوپا^{۱۵}، ۲۰۱۷؛ وچشزک و اسمیت^{۱۶}، ۲۰۱۳)، تحقیقات اندکی درباره نقش این رسانه اجتماعی در حوادث طبیعی مانند زلزله، سیل و ... وجود دارد. همچنین، تحقیقات موجود، چه در حوزه سیاسی و چه در حوزه حوادث طبیعی، به مطالعه روایت‌گری در توئیتر نپرداخته‌اند. در حوزه سیاسی، تمرکز مطالعات در حوزه تحلیل‌های زبان‌شناختی، عمدتاً بر چگونگی قالب‌بندی رویداد و چارچوب‌دهی به آن بوده‌است. به عنوان مثال، هوپکه (۲۰۱۵)، با مطالعه و تحلیل [globalfrackdown](#) تلاش کرده‌است تا چارچوب‌های تولیدشده توسط فعالان در این هشتگ را شناسایی کند در مطالعه‌ای دیگر، جکسون و فوکو-ولز^{۱۷} (۲۰۱۶) مشخص کرده‌اند که چگونه شهروندان معمولی به همراه فعالان و روزنامه‌نگاران، شبکه‌های توئیتری را برای بحث درباره نژاد، نیروی پلیس، دولت و عدالت با استفاده از [Ferguson](#) شکل داده‌اند. درباره نقش توئیتر در

7. Barnard

8. Hermida

۹. این محدودیت در حال حاضر به ۲۸۰ کاراکتر افزایش یافته است.

10. Boczkowski

11. Bode & Dalrymple

12. González-Bailón

13. Tufekci

14. Udupa

15. Wojcieszak & Smith

16. Jackson & Foucault Welles

1. Ollerenshaw & Creswell

2. van Dijk & Kintsch

3. Roselle, Miskimmon, & O'Loughlin

4. Page, Harper, & Frobenius

5. Hopke

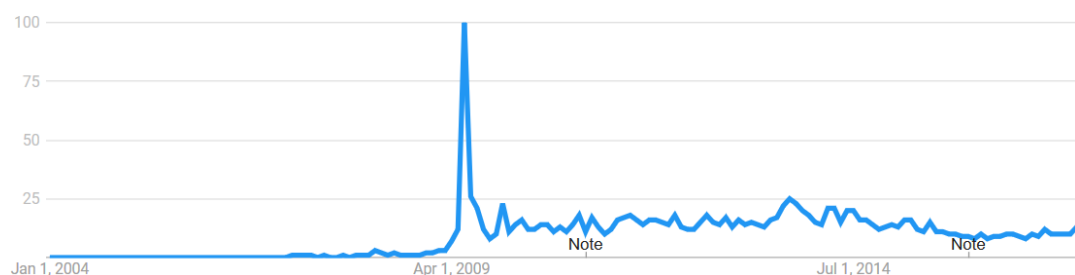
6. Papacharissi

زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ است. توئیتر علاوه بر نقش مهمی که در عرصه جهانی دارد، در ایران نیز از اهمیت زیادی برخوردار است؛ با این وجود تحقیقات چندانی درباره روایت‌ها در این رسانه اجتماعی در ایران وجود ندارد.

کنش‌های کاربران توئیتر در موارد مختلف، اتفاقات سیاسی در ایران را تحت تاثیر قرار داده‌است. انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و حوادث پس از آن یکی از مثال‌های بارزی است که تاثیرگذاری توئیتر بر روندهای سیاسی جامعه ایران را نشان می‌دهد تا جایی که برخی محققان از اعتراضات بعد از آن انتخابات با عنوان «انقلاب توئیتری» نام بردند (مروزوف^۲، ۲۰۰۹). همچنین استفاده از ابزار گوگل‌ترند، تصویری از میزان استفاده از توئیتر در دوران انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ را در اختیار ما قرار می‌دهد.

رویدادهای طبیعی نیز می‌توان به دو پژوهش پیرامون بلایای طبیعی در ژاپن اشاره کرد. چو، جانگ و پارک^۱ (۲۰۱۳) و جورث و کیم^۲ (۲۰۱۱) با مطالعه تعاملات توئیتری در جریان زلزله و تسونامی در ژاپن بر نقش ارتباطی، انسان‌دوستانه و اطلاع‌رسانی توئیتر تاکید کرده‌اند. علاوه بر اندک بودن تحقیقات درباره نقش توئیتر در بلایای طبیعی، چگونگی شکل‌گیری روایت‌ها در توئیتر در خلال این اتفاقات نیز مغفول مانده‌است. البته غفلت از روایت‌ها در توئیتر، محدود به حوزه بلایای طبیعی نیست و در حوزه سیاست و اجتماع نیز با این خلأ مواجه هستیم.

هدف این مقاله، تحلیل فرایند شکل‌گیری روایت‌ها در توئیتر با تمرکز بر حوادث طبیعی است تا از این طریق بتوانیم، تا حد امکان، خلأ تحقیقاتی موجود را مرتفع کنیم. به همین دلیل، تمرکز این تحقیق بر هشتگ #زلزله در جریان



شکل ۱. روند علاقه کاربران ایرانی به توئیتر (طراحی‌شده توسط ابزار گوگل‌ترند)

چهره‌های سیاسی در مواردی با استفاده از توئیتر توانسته‌اند بر روند اتفاقات اثرگذار باشند. یک مثال بارز در این زمینه، استفاده محمدجواد ظریف، وزیر خارجه در زمان انجام مذاکرات بر سر برجام است (هوشمند^۵، ۲۰۱۵). بنابراین هر چند تعداد کاربران ایرانی عضو در توئیتر به طور دقیق مشخص نیست، اما مثال‌های بالا و حضور چهره‌های سیاسی حکومت نشان‌دهنده اهمیت اثرگذاری این رسانه اجتماعی است.

با وجود این اهمیت و همچنین علی‌رغم انجام برخی تحقیقات درباره توئیتر در ایران (مرچانت و همکاران^۶، ۲۰۱۸؛ مرچانت و همکاران^۷، ۲۰۱۶)، در زمان اجرای این تحقیق، پژوهشی درباره روایت‌ها در توئیتر فارسی انجام نشده بود.

استفاده کاربران ایرانی از توئیتر در زمان انتخابات سال ۸۸ به اوج خود رسیده و بعد از آن دیگر هرگز به این میزان نرسیده‌است (شکل ۱). نقش توئیتر در این رویداد سیاسی به گونه‌ای بود که مسئولان این رسانه اجتماعی به درخواست دولت آمریکا، زمان انجام تغییرات در توئیتر که موجب خارج شدن این سایت از دسترس کاربران ایرانی می‌شد را به تعویق انداختند (کارافانو^۴، ۲۰۰۹). حضور چهره‌های سیاسی کشور در توئیتر نیز نشان‌دهنده اهمیت و اثرگذاری این رسانه است. در حال حاضر، از رهبر و رئیس جمهور گرفته تا تعداد زیادی از وزرا و نمایندگان فعلی و سابق مجلس در توئیتر عضو هستند. این

5. Hooshmand

6. Marchant, Ormson, Honari, & Sabeti

7. Marchant, Sabeti, Bowen, & Kelly

1. Cho, Jung & Park

2. Hjorth & Kim

3. Morozov

4. Carafano

رشته‌ای مشخص که رویدادها را به شیوه‌ای معنی‌دار برای ارائه به مخاطبان از پیش معلوم، به هم متصل کرده درک شوند. در این معنا، روایت‌ها به جهان یا تجارب افراد از آن، معنا می‌بخشند.

بر اساس این مباحث، سه عنصر اساسی برای روایت مشخص می‌شود. این عناصر عبارتند از: زمانمندی^۱، معناداری و اجتماعی بودن (جین^۲، ۲۰۰۵). همچنین، مدل ساختاری لیف و والتزکی^۴ (۱۹۹۷) برای درک ساختار و شکل روایت و چگونگی ساخت آن ضروری است. از نظر آنها، روایت‌ها مشخصات ساختاری یکسان دارند که می‌تواند برای شناسایی و تحلیل روایت استفاده شود. البته باید دقت داشته باشیم که مدل ساختاری، همان‌طور که از نام آن پیداست، تاکید را بر ساختار و شکل روایت می‌گذارد و محتوا را مد نظر قرار نمی‌دهد. من برای رفع این خلأ، هنگام بحث درباره روایت به مثابه کردار، بر نقش محتوا در روایت تاکید خواهیم کرد. لیف و والتزکی (۱۹۹۷) معتقدند که یک روایت کامل شش عنصر اصلی دارد. این عناصر در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

بنابراین، تلاش می‌شود با انجام این تحقیق در وهله اول چگونگی شکل‌گیری روایت‌ها در تویتر را مشخص کرده و علاوه بر این، نقش تویتر و روایت‌های تویتری در بلایای طبیعی را تحلیل کنیم. در نهایت، این مقاله به روند تولید دانش در مورد کنش‌های کاربران ایرانی در تویتر نیز کمک خواهد کرد.

چارچوب نظری: روایت و روایت‌گری در تویتر

در مورد چستی روایت دو دیدگاه عمده وجود دارد که در اولی تاکید بر ویژگی‌های ساختاری روایت و در دومی تاکید بر محتوا است. تعریف کرسول (۲۰۰۷) از روایت، مبنای مناسبی برای بحث درباره روایت به مثابه ساختار است. کرسول (همان) به نقل از زارنویسکا (۲۰۰۴) روایت را عبارت از هر نوع متن نوشتاری یا گفتاری می‌داند که به یک رویداد/کنش یا مجموعه‌ای از رویدادها/کنش‌ها که به صورت زمانی به هم مرتبط هستند معنا می‌بخشد و شکل می‌دهد. این تعریف به چند عنصر اساسی روایت اشاره دارد. این عناصر در تعریف هینچمن و هینچمن^۱ (۱۹۹۷) برجسته‌تر شده‌اند. آنها معتقدند روایت‌ها در علوم انسانی باید به عنوان گفتمان‌هایی با نظم

جدول ۱. عناصر روایت از نظر لیف و والتزکی (۱۹۹۷)

عنصر	توضیح
چکیده ^۵	خلاصه‌ای از موضوع و چرایی اهمیت آن
زاویه دید ^۶	اطلاعاتی درباره ویژگی‌ها، مختصات، زمان، مکان، موقعیت و مشارکت‌کنندگان که جهت‌گیری خواننده نسبت به آنها را تعیین می‌کند
کنش تعیین‌کننده ^۷	اتفاقاتی که واقعا رخ می‌دهند
ارزیابی ^۸	معنای اتفاقات از نظر روایت‌گر
پایان‌بندی ^۹	کنش نهایی، نتیجه‌گیری، پایان روایت
لولا ^{۱۰}	وصل‌کننده روایت به جهان اجتماعی، چیزی که روایت را در زمینه‌ای بزرگتر قرار می‌دهد

1. Hinchman & Hinchman
2. Temporality
3. Jane
4. Labov & Waletzky
5. Abstract
6. Orientation
7. Complicating action
8. Evaluation
9. Resolution
10. Coda

که معنایی یک‌دست، جهان‌شمول و مشخص دارد. این معنا توسط روایت‌گر ساخته شده و در قالب روایت صورت‌بندی می‌شود. با پیدایش نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید، خصوصاً مکاتب پساساختارگرایانه و پست‌مدرنیستی، نیاز به بازبینی و اصلاح مدل ساختاری بیش از پیش حس می‌شود. البته هدف تحقیق این مدل هدف این تحقیق نیست، اما تا جایی که به مدل ساختاری فراتر رفته و مسئله محتوا را بیشتر مورد بحث قرار دهیم.

مدل ساختاری بر پایه یک دوانگاری بنا شده که یک متن را یا روایت می‌داند یا خیر. به این معنی که متنی که روایت نباشد، ناروایت است. بنیان اصلی چنین دیدگاهی، ثابت و لایتغیر بودن متن است. این دیدگاه توسط مکتب مطالعات فرهنگی و هرمنوتیک به چالش کشیده شده‌است. از نظر استوارت‌هال^۱ (شاو^۲، ۲۰۱۷)، سه نوع خوانش متفاوت از متن وجود دارد: خوانش مسلط، متضاد و تقابلی. در خوانش‌های متضاد و تقابلی، خواننده الزاماً معنای مورد نظر نویسنده را دریافت نمی‌کند بلکه این معنا را با توجه به دانسته‌ها، تجربیات، علایق و سلاقی خود می‌سازد. بنابراین فردی ممکن است یک متن را به‌صورت یک روایت قرائت کند، متنی که از نظر دیگری ممکن است ساختار روایی نداشته باشد. بنابراین، روایت بیش از آنکه نتیجه وجود عناصر درون‌متنی باشد، حاصل کارکردهای معناسازانه شناختی است (سدلر^۳، ۲۰۱۷). عناصر درون‌متنی، در این معنا، تنها به‌عنوان راهنما و اشاره‌گر عمل می‌کنند. در نتیجه، روایت‌ها و داستان‌ها در ذهن خوانندگان قرار دارند و به همین دلیل قابل تقلیل به متون روایی نیستند، بلکه تنها توسط این متون راهنمایی و فراخوانی می‌شوند.

بنابراین، بهتر است به جای تمرکز بر دو گانه روایت-ناروایت، تمرکز خود را بر مفهوم روایت‌مندی^۴ بگذاریم. روایت‌مندی به این معناست که هر متنی ویژگی‌هایی دارد که بروز پاسخ‌هایی روایی در ذهن مخاطب را ممکن ساخته و تقویت می‌کند. اوچس و کپس^۵ (۲۰۰۱) معتقدند که روایت، به این معنا، می‌تواند به‌عنوان یک مفهوم فازی در نظر گرفته شود که برخی متون مقدار بیشتر یا کمتری از روایت‌مندی را

هدف چکیده این است که به‌طور خلاصه مشخص کند روایت در مورد چیست. چکیده معمولاً در قالب یک یا دو عبارت در ابتدای روایت می‌آید و ایده اصلی روایت را بیان می‌کند. نقش زاویه دید اما مهم‌تر است. کارکرد این قسمت این است که جهت‌گیری مخاطب نسبت به اشخاص، زمان، مکان، و موقعیت‌های رفتاری را تعیین کند. البته لاف (۱۹۷۲) بعداً در بازبینی این مدل اذعان کرد که زاویه دید و مواد تشکیل‌دهنده آن الزاماً به‌صورت یک بخش مجزا نمی‌آیند و می‌توانند در دل بخش‌های دیگر خصوصاً کنش‌های تعیین‌کننده قرار بگیرند. کنش‌های تعیین‌کننده به‌سادگی مشخص می‌کنند که چه اتفاقاتی در روایت رخ می‌دهد. کنش تعیین‌کننده، بخش اصلی هر روایت را تشکیل می‌دهد که بدون آن روایت شکل نمی‌گیرد. عنصر بعدی این مدل، ارزیابی است. ارزیابی در واقع جایی است که روایت‌گر معنای مورد نظر خود از اتفاقات را بیان می‌کند و هدفش از روایت برملا می‌شود. اینجا، جایی است که معنای مورد نظر روایت‌گر ساخته می‌شود. از نظر لاف و والتزکی (۱۹۹۷)، ارزیابی بین کنش تعیین‌کننده و پایان‌بندی قرار می‌گیرد و حالتی از تعلیق و تنش به‌وجود می‌آورد که باعث جلب حواس مخاطب می‌شود و او را برای شنیدن ادامه روایت ترغیب می‌کند. لکن، برخی دیگر از محققان معتقدند که ارزیابی نیز می‌تواند در دل روایت مستتر باشد و نیازی نیست که الزاماً به‌طور صریح بیان شود. همچنین الزامی وجود ندارد که ارزیابی حتماً بین کنش تعیین‌کننده و پایان‌بندی قرار بگیرد و می‌تواند در قسمت‌های دیگر نیز بیاید. نتیجه نهایی روایت و کنش نهایی در قسمت پایان‌بندی ارائه می‌شود. در این قسمت است که مشخص می‌شود کنش‌های تعیین‌کننده چگونه خاتمه یافته‌اند و به عبارتی معما حل می‌شود. آخرین عنصر مدل ساختاری، لولا است. یک وجه لولا را روایت تشکیل می‌دهد و وجه دیگر آن را جهان اجتماعی. از طریق لولا است که روایت به جهان اجتماعی متصل و مربوط می‌شود.

بعد از ارائه مدل ساختاری توسط لاف و والتزکی (۱۹۹۷)، محققان توجه بیشتری به ابعاد دیگر روایت به غیر از ساختار و فرم آن نشان دادند. در واقع، مدل ساختاری درک روشن، شفاف و سرراستی از چیستی و چگونگی ساخت روایت به دست می‌دهد اما در تبیین و شناسایی دیگر ویژگی‌های روایت ناکام است. همچنین، این مدل عمدتاً بن‌مایه‌های فلسفی‌اش را از پوزیتیویسم و اثبات‌گرایی وام می‌گیرد. به این معنا که متن را موجودیتی مستقل می‌داند

1. Hall
2. Shaw
3. Sadler
4. Narrativity
5. Ochs & Capps

از خود نشان می‌دهند. اوچس و کپس (۲۰۰۱) پنج کیفیت روایی معرفی کرده‌اند. کیفیت‌های روایی معرفی شده توسط آنها، با توجه به جامعیت و پویایی تعریف این کیفیت‌ها،

مبنایی مناسب برای شناخت و تشخیص سطح روایت‌مندی یک متن فراهم می‌سازد. جدول ۲، این کیفیت‌ها را معرفی کرده‌است.

جدول ۲. کیفیت‌های روایی (اوچس و کپس، ۲۰۰۱)

روایت‌گری	ارزشمندی	درهم‌تنیدگی	خطی بودن	موضع اخلاقی
روایت توسط یک فرد یا عده‌ای از افراد گفته می‌شود؟	ارزش روایت از نظر اهمیت و ارتباط	میزان وابستگی روایت به بافتار بلاواسطه خود	ساختار زمانی روایت چگونه است؟	موضع روایت‌گر نسبت به رویدادهای روایت‌شده
راوی مفرد-جمعی	بالا-پایین	درهم‌تنیدگی زیاد-قابل جدا شدن	خطی-غیرخطی	ثابت-متغیر

تکه‌های کوچک از اطلاعات به‌طور پیوسته، بدون این که نیازی به حصول یک ساختار فراگیر داشته باشند، به یکدیگر اضافه می‌شوند. چنین وضعیتی موجب تغییر ساختاری روایت‌ها در توثیتر می‌شود. در واقع توثیتر موجب شکسته شدن ساختار سنتی روایت‌های روزنامه‌نگارانه شده و به جای آن روایت‌ها، تجربیات سیال، تکه‌تکه و چندوجهی از روزنامه‌نگاری را پدید آورده‌است. بحث هرمیدا (همان) دربارهٔ تاثیر توثیتر بر روایت‌ها در حوزهٔ روزنامه‌نگاری به‌طور کلی نیز می‌تواند مورد توجه باشد.

سدلر (۲۰۱۷) رهیافت بعدی را در کارهای پاپاچاریسی و همکارانش (پاپاچاریسی و مرز،^۵ ۲۰۱۳؛ پاپاچاریسی و فاطیما البویرا،^۶ ۲۰۱۲؛ پاپاچاریسی، ۲۰۱۴) پیدا می‌کند. آنها به‌طور کلی ایدهٔ محیطی بودن روایت‌گری در توثیتر را می‌پذیرند اما با این ایده که روایت‌ها در توثیتر به‌طور اساسی و زیربنایی با آنچه که قبلاً بوده‌اند متفاوتند، چندان موافق نیستند. در نقطهٔ مقابل، این محققان اعتقاد دارند که داستان‌گویی کماکان شیوهٔ اصلی در گزارشگری در توثیتر است. این داستان‌ها عمدتاً توسط افراد منفرد برای مخاطبان مشخص، به‌صورت جمعی و نه لزوماً مشارکتی گفته می‌شوند. در واقع با استفاده از کیفیت‌های روایی مشخص شده توسط اوچس و کپس (۲۰۰۱) می‌توان گفت که روایت‌گری در توثیتر به‌صورت جمعی انجام می‌شود؛ افراد مختلف با ارسال توثیتهای مختلف در یک کنش جمعی به تولید روایت می‌پردازند اما آنها در این روند لزوماً با یکدیگر هماهنگ و شریک نیستند. چه بسا زاویه‌های گوناگون و متضاد از یک اتفاق در یک روایت مشخص، ارائه شود. در نتیجهٔ این کنش جمعی و تحت تاثیر کاربران برجسته با فالوئرهای زیاد،

با توجه به این ابعاد، یک متن در طیف روایی قرار می‌گیرد. در یک سر طیف، «روایت کامل» قرار دارد که یک گوینده دارد، ارزش بالایی برای گفتن دارد، از نظر زمانی خطی است و ساختار علی دارد، معمولاً قابل جدا شدن از بافتار است و موضع اخلاقی آن مشخص و ثابت است. در سر دیگر طیف نیز روایت‌های ضعیف وجود دارد که عموماً راویان متعدد و فعال دارند، ارزش گفته شدن آن متوسط است، با گفتمان‌ها و فعالیت‌هایی حول خودش درهم‌تنیده‌است، ساختار غیرخطی و غیرروایی دارد و موضع اخلاقی آن نیز سیال است (دایتر،^۱ ۲۰۱۵).

با توجه به ویژگی‌های توثیتر، کیفیت‌های روایی معرفی شده توسط اوچس و کپس (۲۰۰۱)، رهیافتی مناسب برای تحلیل روایت‌های توثیتر است. سدلر (۲۰۱۷) سه رویکرد به روایت در رسانه‌های اجتماعی را شناسایی کرده‌است. اولین رهیافت، جایگزینی روایت‌ها با پایگاه داده‌ها^۲ است. در واقع، او با ارجاع به کار مانوویچ^۳ (۲۰۰۱)، بیان می‌کند که انتقالی از روایت به سمت پایگاه داده رخ داده‌است. از منظر این رهیافت، ما دیگر با روایت‌ها مواجه نیستیم بلکه با پایگاه‌های داده مواجهیم، چرا که به‌عنوان مثال، هشتک‌ها و دیگر اشکال «گفتگوهای قابل جستجو» (زاپاوینگا،^۴ ۲۰۱۵)، بیشتر خصلت یک پایگاه داده مانند باز بودن، بی‌پایان بودن و قابل بازیافت بودن را دارند تا این که بر منطق روایت‌های سنتی مانند خطی و کراندار بودن منطبق باشند. هرمیدا (۲۰۱۰) نیز در تحقیق خود دربارهٔ روزنامه‌نگاری در توثیتر بر این مسئله تاکید می‌کند. او از اصطلاح «گزارشگری محیطی» استفاده می‌کند تا توضیح دهد چگونه

1. Dayter
2. Database
3. Manovich
4. Zapavigna

5. Wojcieszak & Meraz
6. Papacharissi & De Fatima Oliveira

گئورکاپولو (۲۰۱۴)، سه نوع مشخص روایت را در توئیتر شناسایی کرده‌است: داستان‌های خرد^۴، پایان‌بندی تأخیری و روایت‌های سنتی. ساختار روایت‌های سنتی در توئیتر مشابه همان روایت‌های کلاسیک است، با احتمالاً راوی منفرد و طول زیاد. داستان‌های خرد نیز معمولاً از یک توثیت تشکیل می‌شوند و انسجام روایت‌های سنتی را به هیچ وجه ندارند. در آخرین نوع، خود نویسنده نیز نمی‌داند روایتی که شروع کرده به چه سرانجامی خواهد رسید. پایان‌بندی تأخیری نوعی از روایت‌های دورگه است که بر اثر فوریت در توئیتر و همچنین محدودیت‌های نوشتاری به وجود می‌آید.

هر چند کارهای گئورکاپولو (۲۰۱۶، ۲۰۱۴، ۲۰۰۷) و دایتر (۲۰۱۵) ابعاد مختلفی از روایت‌ها در توئیتر را روشن می‌کند، باید توجه کنیم که این تحقیقات عمدتاً به روایت‌های شخصی کاربران پرداخته‌اند و روایت‌هایی که در دل اتفاقات سیاسی و اجتماعی در جامعه رخ می‌دهند را نادیده گرفته‌اند. از این منظر، تحقیقات پاپاچاریسی و همکارانش بیشتر به تحقیق حاضر نزدیک است اما آنها نیز عمدتاً با روش‌های محاسباتی به تحلیل توثیت‌ها پرداخته‌اند و داستان‌گویی در توئیتر را به‌عنوان یک روند کلی مورد بحث قرار داده‌اند. بنابراین، در این تحقیق سعی می‌شود با تمرکز بر توئیتر فارسی در جریان زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ به این سوال پاسخ داده شود که روایت‌ها در توئیتر فارسی چگونه شکل می‌گیرند و روایت‌های مسلط در بین آنها، کدام هستند؟

روش‌شناسی

داده‌های مورد نیاز برای انجام تحقیق با استفاده از وبسایت DiscoverText.com گردآوری شد. وبسایت DiscoverText.com یک بستر آنلاین برای جمع‌آوری داده‌های رسانه‌های اجتماعی و تحلیل آنها است. گردآوری داده‌ها پس از انتشار خبر وقوع زلزله در کرمانشاه در ساعت ۲۱:۵۵ دقیقه ۲۱ آبان ۱۳۹۶ شروع شد و تا ۲۴ ساعت ادامه داشت. در این زمان، ۲۳۹۶۴ توثیت که در آنها از هشتگ #زلزله استفاده شده بود گردآوری شد. با توجه به محدودیت تحقیق و تعداد بالای توثیت‌های گردآوری‌شده، با استفاده از امکانات پلتفرم DiscoverText، نمونه‌ای از این توثیت‌ها که ۱۵ درصد کل توثیت‌ها را تشکیل می‌داد به حجم ۳۶۰۰ توثیت انتخاب شد. از بین این توثیت‌ها نیز ۱۰۳ مورد به زبانی غیر از زبان فارسی بود و از نمونه خارج شدند.

روایت‌ها در توئیتر به‌عنوان مجموعه‌ای از توثیت‌ها که به‌صورت ضعیف با یکدیگر از طریق هشتک‌ها و کلیدواژه‌ها مرتبط شده‌اند، شکل می‌گیرند و در گذر زمان با ریتوئیت و فیوریت شدن بسط یافته و تقویت می‌شوند (سدلر، ۲۰۱۷).

رهیافت سوم به روایت‌ها در توئیتر توسط گئورکاپولو^۱ (۲۰۱۶) ارائه شده‌است. او این رهیافت را که «رهیافت داستان‌های کوچک» نامیده، براساس کارهای قبلی خود و بمبرگ^۲ (۲۰۰۸) ارائه کرده‌است. گئورکاپولو (۲۰۰۷) ادعا می‌کند که داستان‌های کوچک دربارهٔ تعاملات روزمره باید به‌عنوان نمونه اصلی روایت شناخته شوند و نه آن‌چنان که مرسوم است، روایت‌های جهانی و کاملاً ساختاریافته در حوزه ادبیات. داستان‌گویی، از این منظر، به جایی که به شکل یک روایت منسجم و روشن که توسط یک راوی منفرد به مخاطبان مجهول گفته می‌شود درک شود، تبدیل به شکلی محاوره‌ای از معناسازی جمعی و مشارکتی می‌شود (سدلر، ۲۰۱۷). گئورکاپولو (۲۰۱۶) این رهیافت به روایت را در برابر رهیافت‌های سنتی به روایت ارائه کرده که عمدتاً روایت را بسیار محدود، با مرزهای مشخص و وابسته به قیود متنی در نظر می‌گیرند و همچنین، تنها یک شکل طولانی و بدون انقطاع که اتفاقات گذشته یا مربوط به زندگی یک فرد را روایت می‌کند را به‌عنوان روایت مجاز می‌دانند. از نظر او، داستان‌های کوچک نوعی از روایت‌ها هستند که تکه‌تکه‌اند و پایان باز دارند. این روایت‌ها از نوع سنتی که یک راوی دارد و به‌صورت یک سخنرانی مفرد ارائه می‌شود فراتر رفته، از ساختار زمانی آغاز-وسط-پایان نیز پیروی نمی‌کنند (همان). این داستان‌ها دیگر عمدتاً به مسائل بزرگ و پیچیده نمی‌پردازند و اتفاقات عادی، بی‌اهمیت و پیش‌پافتاده را نیز دربرمی‌گیرند. گئورکاپولو (همان) با توجه به ویژگی‌های توئیتر، این رهیافت را ابزاری مناسب برای تحلیل توثیت‌ها به عنوان داستان‌های کوچک معرفی می‌کند. در واقع شکل سنتی روایت به‌ندرت در متون کوتاه رسانه‌های اجتماعی، مانند به‌روزرسانی‌ها در فیسبوک، شرح تصاویر در اینستاگرام، توثیت‌ها، نکته‌ها در فوراسکوئر و ... یافت می‌شود. به همین دلیل نیاز به رهیافتی متفاوت برای تحلیل این متون وجود دارد (دایتر، ۲۰۱۵).

دایتر (۲۰۱۵) بر اساس کار اوچس و کپس (۲۰۰۱) و

1. Georgakopoulou
2. Small stories approach
3. Bamberg

4. Tiny stories

توثیت کامل شده و داستانی را بازگو می‌کنند. نوع دیگر روایت‌گری در توثیت به شکل‌گیری روایت‌هایی می‌انجامد که می‌توان آنها را روایت‌های ارجاعی یا همبسته نامید. در این مورد، توثیت به تنهایی یک روایت را تشکیل نمی‌دهد و خود به روایت‌هایی که از پیش در جامعه وجود دارند اشاره می‌کند. در واقع، آن روایت‌های ازپیش موجود نقش روایت‌های مادر را بازی می‌کنند. نوع سوم روایت نیز، قالب‌های روایی هستند. این نوع، در واقع نوع ضعیفی از روایت‌گری است که از برهم‌کنش تعدادی توثیت به وجود آمده و در نتیجه یک قالب روایی شکل می‌گیرد. قالب روایی نیاز به تخیل کاربران برای شکل‌گیری دارد. در ادامه این بخش، به چگونگی شکل‌گیری هر یک از این روایت‌ها و ویژگی‌های آنها می‌پردازیم.

روایت‌های منفرد^۲

روایت‌مندی می‌تواند برخی اوقات در یک توثیت منفرد به‌طور کامل محقق شود. در واقع، یک توثیت می‌تواند داستانی کامل را بازگو کند و بدین طریق یک روایت را شکل دهد. روایت‌های منفرد اغلب کوتاه، خودبسنده و کاربرمحور هستند؛ بدین معنی که روایت حول راوی می‌چرخد و معمولاً درمورد اتفاقات و رویدادهایی است که برای شخص راوی اتفاق افتاده است. افزایش حد مجاز تعداد کاراکترها برای هر توثیت از ۱۴۰ به ۲۸۰ توسط توثیت به شکل‌گیری این نوع روایت‌ها کمک کرده است، چرا که احتمال بیشتری وجود دارد که افراد بتوانند یک روایت را با ۲۸۰ کاراکتر بازگو کنند تا ۱۴۰ کاراکتر. همچنین، با وجود این که به‌طور بالقوه روایت منفرد می‌تواند در یک رشته توثیت بیان شود، کاربران با علم به این که رشته توثیت آنها ممکن است در دل توثیت‌های مختلف که درباره یک رویداد ارسال می‌شوند گم شوند، تلاش می‌کنند تا روایت‌های خود را در یک توثیت بیان کنند. در ادامه، ویژگی‌های این توثیت‌ها با توجه به شاخص‌های ارائه‌شده توسط اوچس و کپس (۲۰۰۱) بیان می‌شود تا درک بهتری از آنها پیدا کنیم.

همان‌طور که در بالا توضیح داده شد، روایت‌های منفرد تنها یک نویسنده دارند چرا که این روایت‌ها، شامل یک توثیت هستند و یک توثیت نمی‌تواند بیشتر از یک نویسنده داشته باشد. همچنین، ارزشمندی هر روایت باید با توجه به خود آن روایت خاص مشخص شود، چرا که این نوع روایت‌ها اغلب فردی هستند و از یک روایت تا روایت دیگر تفاوت

همچنین، ۳۶ توثیت دیگر نیز غیرقابل دسترس و بنابراین غیرقابل کدگذاری بودند و آنها نیز از نمونه حذف شدند.

فرایند کدگذاری و تحلیل توثیت‌ها نیز با استفاده از پلتفرم DiscoverText انجام شد. برای کدگذاری توثیت‌ها، از مدل ارائه‌شده توسط خسروی‌نیک (۲۰۱۷) برای تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌های اجتماعی (ارج)، استفاده شد. خسروی‌نیک (همان) دو محور برای تحلیل گفتمان انتقادی رسانه‌های اجتماعی ترسیم می‌کند. به‌طور کلی می‌توان گفت که محور افقی به روابط درون‌متنی^۱ در دل کردارهای متنی شکل گرفته در رسانه‌های اجتماعی می‌پردازد و محور عمودی هم خصائص خرد تحلیل متنی و هم بستر افقی را به بستر اجتماعی-سیاسی کاربران در جامعه مربوط می‌سازد. به معنی دیگر، این محور تحلیل متنی را به گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی که در جامعه شکل گرفته‌اند وصل می‌کند. بنابراین، این مدل مبنایی مناسب برای تحلیل توثیت‌ها هم به‌طور مجزا و هم برای تحلیل آنها با توجه به گفتمان‌ها و روایت‌های موجود در سطح جامعه فراهم می‌سازد. برای کدگذاری همچنین از روش کدگذاری نظری و باز (سالدانا، ۲۰۱۵) به‌طور همزمان استفاده شد. شیوه کار به این صورت بود که ابتدا براساس ادبیات نظری و تجربه‌های مبتنی بر مشاهده مشارکتی به‌عنوان محقق، برگه اولیه کدگذاری تهیه شد. سپس سه کدگذار با استفاده از این برگه به کدگذاری توثیت‌ها پرداختند. هر گاه که سی درصد از برگه اولیه تغییر می‌یافت، برگه کدگذاری جدید تهیه می‌شد و کدگذاری برپایه آن ادامه می‌یافت. پس از رسیدن به برگه کدگذاری نهایی نیز، یک بار دیگر تمام توثیت‌ها کدگذاری شد. واحد مشاهده در این تحقیق، توثیت بود و هر توثیت می‌توانست به‌طور بالقوه چندین کد را بخود اختصاص دهد. در نهایت، تم‌ها و قالب‌های موجود شناسایی و تحلیل شدند که در بخش بعد مورد بحث قرار می‌گیرد.

یافته‌ها

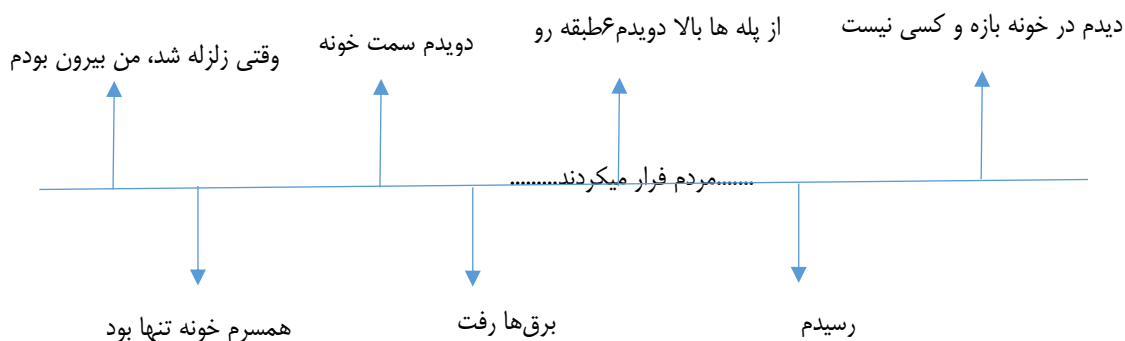
برخی توثیت‌ها خود یک روایت را تشکیل می‌دهند اما توثیت‌هایی نیز هستند که به روایت‌های ازپیش موجود در جامعه ارجاع می‌دهند یا خود به تولید روایت‌ها می‌انجامند. بنابراین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سه نوع روایت در توثیت می‌توان شناسایی کرد. ابتدا، روایت‌های منفرد هستند که شامل یک توثیت می‌شوند. این روایت‌ها در یک

روایت‌های منفرد است که نشان می‌دهد این روایت‌ها به خودی خود معنادارند و اغلب ساختار خطی دارند.



شکل ۲. داستان ۱: وقتی زلزله آمد

ساختار خطی این روایت در خط زمانی شماره ۱ نشان داده شده‌است.



شکل ۳. خط زمانی داستان شماره ۱

وجود ندارد و همچنین، بخش‌ها به ترتیبی که لیف و والتزکی (همان) گفته‌اند در روایت نمی‌آیند. به‌طور مثال، در داستان ۱ چکیده در پایان روایت قرار دارد و ارزیابی نیز وجود ندارد. جدول ۳ نشان می‌دهد کدام عناصر یک روایت کامل در این توئیت وجود دارند.

علاوه بر اتفاقات علی، یک کنش زمینه‌ای نیز در این روایت وجود دارد که فرار کردن مردم است. با توجه به ساختار روایت ارائه‌شده توسط لیف و والتزکی (۱۹۹۷)، می‌توان گفت که این نوع روایت نیز روایت کاملی نیست. در واقع، لزوماً تمام قسمت‌های یک روایت در این نوع روایت‌ها

جدول ۳. عناصر روایی داستان شماره ۱

عنصر	محتوا
چکیده	حال بدی بود
زاویه دید	وقتی زلزله شد، خونه
کنش‌های تعیین‌کننده	دویدم سمت خونه، برق‌هارفت، از پله‌ها بالا دویدم، مردم فرار می‌کردند
ارزیابی	-
پایان‌بندی	رسیدم دیدم در خونه بازه و کسی نیست.
لولا	#زلزله

علاوه بر موارد بالا در مورد توثیفات منفرد، نکته دیگری در مورد لولا در این روایت‌ها وجود دارد. در واقع، کاربران با توجه به محدودیتی که برای نوشتن دارند از هشتگ‌ها برای پیوند دادن روایت‌هایشان به امور جاری و قرار دادن آنها در دل زمینه‌ای بزرگ‌تر استفاده می‌کنند. بنابراین در این نوع روایت‌ها اغلب هشتگ، نقش لولا را ایفا می‌کند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روایت‌های منفرد، تا حد زیادی شبیه روایت‌های سنتی هستند. در واقع، این روایت‌ها بخش‌های مختلفی از روایت‌های سنتی را شامل می‌شوند. اما مهم‌ترین تفاوت این دو نوع روایت در اندازه آنهاست. در حالیکه در روایت‌های سنتی، محدودیتی برای اندازه روایت وجود ندارد، کاربران تویتر باید روایت‌های منفرد را به ۲۸۰ کاراکتر محدود کنند. تحلیل یافته‌ها نشان داد که ۲۱۷ روایت منفرد در نمونه تحقیق وجود دارد که میانگین اندازه آنها ۴۹ کلمه است. جدول ۴، بسامد هر یک از اجزای یک روایت سنتی را در این نمونه نشان می‌دهد.

جدول ۴. بسامد اجزای ساختاری روایت در روایت‌های منفرد

عناصر	بسامد
چکیده	۲۵
زاویه دید	۱۷۴
کنش تعیین‌کننده	۲۱۷
ارزیابی	۲۰۱
پایان بندی	۱۰۲
لولا	۲۱۷

جدول ۴ نشان می‌دهد که تمام روایت‌های منفرد در این

تحقیق، حداقل دارای یک کنش تعیین‌کننده و لولا هستند. با توجه به نحوه انتخاب توثیفات، مشخص است که هر توثیفات یک هشتگ و به همین طریق لولا دارد. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که یک روایت منفرد بدون وجود یک کنش تعیین‌کننده شکل نمی‌گیرد. همچنین برخی روایت‌های منفرد وجود دارند که به‌طور مشخص ارزیابی یا پایان‌بندی ندارند اما این عناصر با توجه به زمینه‌ای که توثیفات در آن حادث می‌شود، می‌توانند درک شوند. محیط اجتماعی پیرامون یک رشته توثیفات، فراداده‌ها که توسط خود تویتر فراهم می‌شود و دیگر توثیفات‌هایی که حول یک توثیفات مشخص ارسال شده‌اند فضای مناسبی ایجاد می‌کنند تا خوانندگان بتوانند بخش‌های خالی روایت‌ها را شکل دهند. داستان ۲ نمونه‌ای از این‌گونه روایت‌ها ارائه می‌کند.



همیشه وقتی اتفاقی مثل #زلزله می‌افته مادر بزرگ من اولین پیش قدم برای کمک همیشه مادر بزرگ دیروز خورد زمین و کشکک پاش شکست و الان دارن پاش رو عمل میکنن

12:11 PM - Nov 13, 2017

9 See @matbuat's other Tweets

شکل ۴. داستان ۲: مادر بزرگ مهربان من

داستان ۲، شامل چکیده، زاویه دید (به‌طور ناقص) و کنش تعیین‌کننده است. علاوه بر این عناصر که به‌طور مشخص در توثیفات آمده‌اند، برخی عناصر دیگر مانند ارزیابی می‌توانند توسط خواننده ساخته و درک شوند. جدول بعد این عناصر که آنها را عنصر خیالی می‌نامیم و منابع شناسایی آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۵. عناصر خیالی داستان ۲

عناصر خیالی	محتوا	منبع
چکیده	مردم زیر آوار گرفتار شده‌اند	شرایط و اخبار اجتماعی
زاویه دید	مکان (تهران)، زمان	فراداده‌ها (نمایه کاربر و خود توثیفات)
ارزیابی	این خیلی برای مادر بزرگم سخته که نمی‌تونه به مردم کمک کنه. اون خیلی آدم مهربونه	رشته توثیفات

توثیت ارجاعی ارائه‌شده در شکل ۵ خود به تولید یک روایت منجر نمی‌شود اما روایت مرجعی که حکومت را به‌خاطر تلفات و صدمات ناشی از زلزله مقصر می‌داند و سرزنش می‌کند فراخوانی می‌کند. در واقع، جمله اول این توثیت مشخص می‌کند که به چنین روایتی ارجاع داده می‌شود. وقتی صحبت از فرصت ۴۰ ساله می‌شود که به اندازه عمر جمهوری اسلامی است، مشخص می‌شود که منظور نویسنده مسئولان حکومت و دولت در این مدت زمان هستند. بنابراین می‌توان برخی از عناصر تشکیل‌دهنده زاویه دید (مکان، زمان و کنشگران) را تشخیص داد. تشخیص عناصری چون چکیده یا لولا در این روایت سخت است، چرا که موارد زیادی را می‌توان به‌عنوان چکیده یا لولا در نظر گرفت. علاوه بر این، «عملکرد حکومت» و «وقوع زلزله» را می‌توان اصلی‌ترین کنش‌های تعیین‌کننده در نظر گرفت که از یک رابطه علی‌پیروی می‌کنند. در واقع این روایت را می‌توان به این شکل مشخص کرد: ابتدا، جمهوری اسلامی شکل می‌گیرد، سپس این جمهوری در خدمت‌رسانی به مردم ضعیف عمل کرده و به امور دیگری می‌پردازد، در ادامه زلزله رخ می‌دهد و در نهایت، حکومت آمادگی و توان کمک به مردم را ندارد (پایان‌بندی). چنین روایت خیالی‌ای می‌تواند با گلایه‌های نویسنده درباره این که حکومت در قبال سرنوشت مردم زلزله‌زده بی‌تفاوت است پایان یابد. علاوه بر این توثیت، توثیت‌های دیگری هستند که به‌طور بالقوه - و در این مورد بالفعل - می‌توانند به چنین روایتی ارجاع دهند، هر چند از زوایای مختلف. در واقع، گرچه برخی از عناصر چنین روایت مرجعی در برخی توثیت‌های ارجاعی می‌تواند متفاوت باشد اما این روایت می‌تواند به عنوان مبنای آنها عمل کند. در مجموع، ۱۹ روایت مرجع در نمونه تحقیق شناسایی شد. این روایت‌ها در جدول ۶ فهرست شده‌اند.

هرچند روایت‌های مرجع، برخی از عناصر لازم در روایت‌های سنتی را ندارند اما این روایت‌ها سه عنصر اصلی سازنده یک متن روایت‌مند را در خود دارند. این عوامل عبارتند از: علیت، زمانمندی و معناداری. بنابراین ما می‌توانیم آنها را به‌عنوان روایت در نظر بگیریم. در واقع، روایت‌های مرجع را می‌توان به‌مثابه طرح‌های روایی کلی و عمومی در نظر گرفت که در خلال سال‌ها در بطن جامعه شکل گرفته‌اند و در زمان رخ دادن بحران‌ها توسط متون مشخص - در این تحقیق، توثیت‌ها - فراخوانی و احیا می‌شوند.

عناصر خیالی ارائه‌شده در این جدول به همراه عناصری که در خود توثیت آمده‌اند، یک روایت کامل را می‌سازند. روایت‌های منفرد، معمولاً درباره تجارب شخصی کاربران هستند و به دیگر گفتمان‌ها و روایت‌های سیاسی یا اجتماعی ارجاع نمی‌دهند، هر چند برخی از توثیت‌های منفرد هستند که تجارب شخصی را با چنین ارجاعاتی ترکیب می‌کنند. در این موارد، آنها را در دسته دیگر که شامل روایت‌های مرجع است قرار می‌دهیم.

روایت‌های مرجع^۱

برخلاف روایت‌های منفرد، روایت‌های مرجع در توئیتر تولید نمی‌شوند بلکه این دسته از روایت‌ها، از پیش در جامعه وجود دارند و به‌عنوان مدلول برای برخی توثیت‌ها عمل می‌کنند. در واقع، برخی توثیت‌ها به این روایت‌ها دلالت کرده و آنها را فراخوانی می‌کنند. می‌توانیم بگوییم که این روایت‌ها روایت‌های مرتبه دوم هستند و روایت‌های منفرد، روایت‌های مرتبه اول. به همین دلیل، ساخت و قرائت این روایت‌ها تا حد زیادی به خلاقیت و جهان ذهنی خوانندگان بستگی دارد. در واقع این خوانندگان هستند که این روایت‌ها را در ذهن خود با توجه به دال‌های موجود در متن می‌سازند. به همین دلیل است که درهم‌تنیدگی این روایت‌ها بسیار بالاست و فردی که خارج از زمینه تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌ای که توثیت در آن تولید شده‌است، به احتمال زیاد نمی‌تواند درک درستی از آن توثیت داشته باشد. در حالیکه در روایت‌های منفرد اینگونه نیست. علاوه بر این، روایت‌های مرجع خطی هستند اما این خطی بودن، ساختار سفت و سختی ندارد و می‌تواند از ذهن یک خواننده تا خواننده دیگر متفاوت باشد. کیفیت‌های روایی نیز باید با توجه به هر روایت و توثیت ارجاعی مشخص شود. توثیت ارجاعی زیر نشان‌دهنده چگونگی فراخوانی یک روایت مرجع است.



آوانگارد
@SShabgard

چهل سال وقت داشتید یک کاری برای مردمون می‌کردید. حداقل ایمن سازی در برابر زلزله! اما باز یول رو برداشتید و به جون منطقه افتادید. شرم آورید

10:24 AM - Nov 13, 2017

10 See @SShabgard's other Tweets

شکل ۵. توثیت ارجاعی



هموطن با #زلزله جک و طنز نمان، امروز به اشک هموطن میخندی فردا یکی هم به اشک میخنده #مکرمانشاه #شلیت

9:39 AM - Nov 13, 2017

89 See @allimosavi786's other Tweets

شکل ۶. توثیت سازنده روایت وصلی

این توثیت در دل خود به یک داستان علی اشاره می‌کند. در واقع، این که عده‌ای با زلزله جک ساخته‌اند و شوخی کرده‌اند پیش فرض و مقدم این توثیت است و خود توثیت نیز تالی است. این توثیت، در کنار توثیت‌های دیگر با این موضوع به شکل‌گیری روایت «سرزنش شوخی‌کنندگان با زلزله» می‌انجامد. چنین روایت‌هایی مانند روایت‌های مرجع نیازی به چکیده یا لولا ندارند چرا که زمینه بلافصل آنها برای مخاطب و راوی مشخص و روشن است. همچنین، اطلاعات مربوط به زاویه دید نیز می‌تواند از جریان توثیت‌ها و فراداده‌ها به دست آید. در نتیجه، می‌توان گفت که کنش تعیین‌کننده مهم‌ترین قسمت یک روایت وصلی است. کنش تعیین‌کننده، بدنه اصلی روایت را تشکیل می‌دهد و عناصر دیگر مانند ارزیابی یا پایان‌بندی می‌توانند از دل بقیه توثیت‌ها فهمیده و درک شوند. در واقع، ما می‌توانیم یک روایت وصلی را به عنوان خطی فرضی در نظر بگیریم که برخی کنش‌های کلی را به طور ضعیف به هم پیوند می‌دهد. این پیوند، قوی و محکم نیست و برای هر کنش نیز اتفاقات مختلفی در دنیای واقعی می‌تواند مورد اشاره قرار بگیرد. تفاوت اصلی همینجاست. اتفاقات در روایت‌های وصلی، برخلاف روایت‌های سنتی غیر قابل تغییر و یکتا نیستند. آنها می‌توانند با رویدادهایی که دلالت مشابه دارند عوض شوند. علاوه بر این، در حالیکه طرحواره‌ای که روایت وصلی را تشکیل می‌دهد ساختار علی و زمانمند دارد، توثیت‌هایی که برای هر کنش ارسال می‌شوند لزوماً از این ساختار پیروی نمی‌کنند. در همین مثال، توثیت‌های طنز در مورد زلزله می‌توانند پس از شکل‌گیری روایت وصلی سرزنش شوخی‌کنندگان نیز ارسال شوند. در واقع، روایت‌های وصلی یک نقطه پایان مشخص ندارند و توثیت‌های مرتبط در هر زمانی می‌توانند ارسال شوند. در مجموع، شش روایت وصلی در داده‌های تحقیق شناسایی شد که در جدول ۷ ارائه شده‌اند.

جدول ۶. روایت‌های مرجع

روایت‌های مرجع
سرزنش حکومت
سرزنش فرصت‌طلبان سیاسی
احمدی‌نژاد عامل تمام بدبختی‌هاست
سرزنش پیمانکاران، مهندسان، ناظران و ...
بسیج و سپاه به مردم کمک می‌کنند
وعده‌ها و اقدامات مسئولان نمایشی و بی‌فایده است
ایران به مردم دیگر کشورها بیشتر از مردم خودش توجه و کمک می‌کند
ایرانی‌ها بدبختند
سرزنش صدا و سیما
واکنش مسئولان انتخابی و بر مبنای منافع خودشان است
خاورمیانه مرکز مشکلات و بحران‌هاست
روحانی بی‌عاطفه است
سازمان‌های نظارتی فاسدند
مسئولان دزد و فاسدند
حصر رهبران جنبش سبز
آمریکا از ایران شرایط بدتری دارد
آخوندها فرصت‌طلبند
منتقدان حکومت منطق ندارند
گناه، عامل زلزله است

روایت‌های وصلی^۱

روایت‌های وصلی سومین نوع از روایت‌های شکل‌گرفته در توثیت فارسی هستند. این نوع، مانند روایت‌های منفرد در توثیت بر ساخت می‌شوند اما برخلاف آنها، یک هویت منسجم و ساختارمند بر اساس هنجارهای مربوط به روایت‌های سنتی ندارند. از این نظر، روایت‌های وصلی مانند روایت‌های مرجع هستند اما شناخت و درک این روایت‌ها به میزان بیشتری از قدرت خلاقانه مخاطبان نیاز دارد. این نوع از روایت‌ها نوع خاصی از چارچوب‌های شخصی‌شده کنش هستند که چگونگی تولید این روایت‌ها در ادامه توضیح داده می‌شود.

کاربران توثیت با ارسال توثیت‌های خود، آگاهانه یا ناآگاهانه، تلاش می‌کنند تا به تجربیات خود از رویدادهای گوناگون قالب بدهند. هنگامی که این چارچوب‌ها ساختاری علی و زمانمند پیدا کنند، روایت‌های وصلی ساخته می‌شوند. روایت وصلی، در واقع، یک موجودیت خیالی و فرضی است که موضوع تعداد متعددی از چارچوب‌های شخصی‌شده کنش است که در توثیت‌های مختلف ظاهر می‌شود. این توثیت‌ها، لزوماً خودشان یک روایت تولید نمی‌کنند اما هر یک از آنها به تولید یک روایت که همه آنها را در بر بگیرد کمک می‌کنند. مثلاً به توثیت زیر دقت کنید.

جدول ۷. روایت‌های وصلی

روایت‌های وصلی
آمدنیوز؛ منبع اخبار جعلی
اثر مسکن مهر
عدم وجود امکانات و کمک‌های لازم
هیچ چیزی رخ نداده‌است! همه چیز در امن و امان است!
سرزنش شوخی‌کنندگان
سرزنش سوءاستفاده‌گران

وجه تمایز اصلی روایت‌های وصلی با روایت‌های مرجع در زمینه‌ای است که این روایت‌ها در دل آن شکل می‌گیرند. شکل‌گیری روایت‌های وصلی به اتفاقات در حال وقوع بستگی دارد اما روایت‌های مرجع از پیش در جامعه وجود دارند و تنها توسط توثیقات‌های ارجاعی، فراخوانی می‌شوند. حتی ممکن است شکل این روایت‌ها در هر مورد تغییر کند اما ساختار اصلی آنها همان ساختار ثابت و از پیش موجود است. در این تحقیق، سرزنش صدا و سیما یک روایت مرجع است که در جامعه وجود دارد. در حالی که در زلزله کرمانشاه، صدا و سیما عمدتاً به‌خاطر دیرپرداختن به اخبار زلزله و توجه نشان دادن به خبرهای دیگر کشورها مورد شتمات بود، ممکن است در حادثه‌ای دیگر موضوع سرزنش‌ها چیز دیگری باشد اما ساختار کلی این روایت یکسان خواهد بود.

جدال روایت‌ها؛ تلاش برای هژمونیک کردن روایتی خاص در توئیتر

روایت‌ها، محلی برای منازعه قدرت هستند. به همین دلیل افراد و گروه‌ها تلاش می‌کنند تا روایت‌های خود را به روایت‌های هژمونیک و مسلط تبدیل کنند تا از این طریق جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را تفوق بخشند. این امر در توئیتر نیز وجود دارد. در واقع، برخی از روایت‌ها در توئیتر بیشتر محبوب شده و مورد قبول قرار می‌گیرند. شناسایی این

روایت‌ها می‌تواند به ما درک بهتری از فضای این رسانه اجتماعی بدهد.

برای شناسایی روایت‌های مسلط در توئیتر برخی از سنجه‌های مربوط به تحلیل شبکه اجتماعی و همچنین برخی از امکانات پلتفرم DiscoverText مورد استفاده قرار گرفت. این سنجه‌ها پیشنهادی هستند و می‌توانند در آینده جرح و تعدیل شوند. اولین سنجه تعداد توثیقات‌های مربوط به هر روایت است. منطقاً هر چه توثیقات‌های دخیل در شکل‌گیری یا فراخوانی یک روایت بیشتر باشد، افراد بیشتری به آن توجه نشان داده‌اند و به همین دلیل محبوبیت بیشتری دارد. دومین سنجه نیز تعداد ریتوئیتهای است. ریتوئیتهای نشان‌دهنده‌ای از پذیرش توثیقات اصلی است و وقتی تعداد ریتوئیتهای بیشتر باشد به معنای پذیرش بیشتر آن توثیقات است. حال اگر تعداد ریتوئیتهای در نمونه مربوط به یک روایت بیشتر باشد، یعنی توثیقات‌های آن مجموعه بیشتر مورد قبول قرار گرفته‌اند. در نهایت، از یک سنجه که توسط DiscoverText معرفی شده‌است استفاده می‌شود: میانگین نمره اثرگذاری کاربران. نمره اثرگذاری کاربر در واقع حاصل تقسیم تعداد فالوئرهای او به تعداد فالوئینگ‌های او است. هر چه این نمره بالاتر باشد، کاربر از اثرگذاری بالاتری برخوردار است. بنابراین میانگین بالاتر نمره‌های مربوط به کاربران مشارکت‌کننده در یک روایت به معنای تسلط بیشتر آن روایت است. پس از این سه سنجه، خوشه‌های شکل‌گرفته در توثیقات‌ها را نیز شناسایی می‌کنیم تا مشخص شود این خوشه‌ها با کدام روایت‌ها همخوانی دارند. روایت‌های منفرد را از این تحلیل‌ها کنار گذاشتیم چرا که این روایت‌ها اغلب شخصی هستند و قاعداً امکان تبدیل شدن به روایت‌های مسلط در جامعه را ندارند. جدول ۸، اطلاعات مربوط به روایت‌های مرجع را ارائه می‌کند.

جدول ۸. آمار توصیفی سنجه‌های روایت‌های مرجع

روایت‌های مرجع	تعداد توثیقات‌ها	تعداد ریتوئیتهای	میانگین نمره اثرگذاری
سرزنش حکومت	۱۹۲	۲۷۴	۴۴/۲۶۷۹۷۴
سرزنش فرصت‌طلبان سیاسی	۳۱	۹	۱۱/۷۲۹۵۶
احمدی‌نژاد عامل تمام بدبختی‌هاست	۷۸	۷۱	۴۹/۰۶۲۵
سرزنش پیمانکاران، مهندسان، ناظران و ...	۱۰۶	۳۶	۸/۲۵۱۷۹۹
بسیج و سپاه به مردم کمک می‌کنند	۳۸	۳۳	۷/۶۲۹۱۶

روایت‌های مرجع	تعداد توثیبت‌ها	تعداد ریتوثیبت‌ها	میانگین نمره اثرگذاری
وعده‌ها و اقدامات مسئولان نمایشی و بی‌فایده‌است	۵۲	۴۰	۸/۹۶۹۰۷۲
ایران به مردم دیگر کشورها بیشتر از مردم خودش توجه و کمک می‌کند	۱۴۳	۸۹	۶۵/۹۷۸۲۶۱
ایرانی‌ها بدبختند	۳۰	۱۱	۲۵/۴۱۷۵۰۸
سرزنش صدا و سیما	۶۱	۷۵	۳۰/۴۷۷۶۱۲
واکنش مسئولان انتخابی و بر مبنای منافع خودشان است	۲۹	۶	۱۸/۱۸۰۶۵۷
خاورمیانه مرکز مشکلات و بحران‌هاست	۹	۳	۱۹/۹۹۰۱۳۶
روحانی بی‌عاطفه است	۵	۸	۴/۶۱۳۶۱۳
سازمان‌های نظارتی فاسدند	۳۲	۴۵	۳۴/۲۳۲۲۹۸
مسئولان دزد و فاسدند	۵۳	۵۱	۲۱/۵۹۱۳۹۸
حصر رهبران جنبش سبز	۱۸	۱۴	۰/۳۲۶۹۲۳
آمریکا از ایران شرایط بدتری دارد	۹	۱۰	۰/۶۲۳۷۷۶
آخوندها فرصت‌طلبند	۴۱	۶۸	۲۷/۷۵۲۱۰۸
منتقدان حکومت منطق ندارند	۶	۱۷	۰/۵۴۳۴۰۱
گناه، عامل زلزله است	۱۴	۱۶	۱۲/۹۵۷۲۸۶

احمدی‌نژاد بیشتر است اما تعداد ریتوثیبت‌ها و میانگین نمره اثرگذاری آن پایین‌تر است و به همین دلیل این روایت مربوط به احمدی‌نژاد است که هژمونی بیشتری دارد. نکته مشترک در هر سه روایت این است که این روایت‌ها در مخالفت با سیاست‌های حکومت هستند و عملکرد حکومت را عامل خرابی‌های به بار آمده از زلزله می‌دانند. جدول بعدی سنجه‌های مربوط به روایت‌های وصلی را نشان می‌دهد.

بر اساس جدول بالا، سه روایت «سرزنش حکومت»، «ایران به مردم دیگر کشورها بیشتر از مردم خودش توجه و کمک می‌کند» و «احمدی‌نژاد عامل تمام بدبختی‌هاست» مسلط‌ترین روایت‌های مرجع هستند. در واقع تعداد توثیبت‌ها و ریتوثیبت‌ها و میانگین نمره اثرگذاری این سه روایت از دیگر روایت‌ها بالاتر است. همچنین باید دقت کنیم با این که تعداد توثیبت‌های روایت «سرزنش پیمانکاران، مهندسان، ناظران و ...» از روایت مربوط به

جدول ۹. آمار توصیفی سنجه‌های روایت‌های وصلی

روایت‌های وصلی	تعداد توثیبت‌ها	تعداد ریتوثیبت‌ها	میانگین نمره اثرگذاری
آمدنیوز؛ منبع اخبار جعلی	۲۹	۸۵	۲۵/۳۵۲۰۲۸
اثر مسکن مهر	۳۰۱	۵۷۷	۴۸۴۱/۳۳۳۳۳۳
عدم وجود امکانات و کمک‌های لازم	۱۴۷	۲۰۵	۷۱/۰۳۴۸۲۶
هیچ چیزی رخ نداده‌است! همه چیز در امن و امان است!	۹۶	۱۰۴	۱۲/۷۲۵۵۵۹
سرزنش شوخی‌کنندگان	۱۶۵	۱۹۸	۱۹/۲۲۶۳۱۶
سرزنش سوءاستفاده‌گران	۷۸	۷۲	۱۶/۳۲۲۹۴

محمود احمدی‌نژاد ساخته شده بودند عامل بالا بودن تلفات و خرابی‌های داند. توثیتی که بالاترین تعداد ریتوثیبت در نمونه تحقیق یعنی ۳۴۰ ریتوثیبت را داشت نیز مربوط به این روایت وصلی است. البته توثیبت زیر مربوط به روایت مرجع مربوط به نقش احمدی‌نژاد نیز می‌شود.

بر اساس یافته‌های این جدول، روایت‌های وصلی «اثر مسکن مهر»، «سرزنش شوخی‌کنندگان» و «عدم وجود امکانات و کمک‌های لازم» سه روایت وصلی مسلط هستند. تم اول نیز مانند روایت‌های مرجع، سوپیه سیاسی و انتقادی دارد. این تم ساختمان‌های مسکن مهر را که توسط دولت

کرمانی: روایت و شکل‌گیری آن در توئیتر فارسی: تحلیل شیوه‌های داستان‌گویی کاربران ایرانی در توئیتر... ۷۱

توئیتر شکل گرفتند تا قرائتی متفاوت با این روایت‌ها ارائه کنند. به عنوان مثال، روایت «هیچ چیزی رخ نداده‌است» در برابر کسانی که مدعی بودند امدادسانی‌ها ضعیف و کند و مواد لازم کم است، ادعا می‌کند که همه چیز تحت کنترل و آرام است. البته این روایت‌ها از نظر محبوبیت نتوانستند به روایت‌های مسلط برسند.

در گام نهایی، ۱۰ خوشه اصلی که توسط DiscoverText در توئیتهای شناسایی شده‌است در جدول ۱۰ ارائه می‌شود تا مشخص شود هر خوشه به کدام روایت تعلق دارد.



شکل ۷. روایت اثر مسکن مهر

روایت وصلی مسلط بعدی نیز مربوط به سرزنش کردن افرادی است که در مورد زلزله توئیتهای جک و طنز ارسال می‌کردند. علاوه بر این‌ها، برخی روایت‌های متضاد هم در

جدول ۱۰. رابطه خوشه‌ها با روایت‌ها

خوشه	روایت مرجع	روایت وصلی
۱		
۲	سرزنش حکومت	
۳		
۴	احمدی‌نژاد، عامل همه ...	اثر مسکن مهر
۵		
۶	احمدی‌نژاد، عامل همه ...	اثر مسکن مهر
۷		
۸		اثر مسکن مهر
۹		
۱۰		

روایت‌های کاربران در توئیتر فارسی در جریان زلزله کرمانشاه در سال ۱۳۹۶ بود. علاوه بر این، روایت‌های مسلط در توئیتر فارسی در این رویداد را نیز شناسایی شد. برای رسیدن به این هدف، ابتدا نظریه‌ها و دیدگاه‌های موجود درباره روایت مرور شد تا مشخص شود روایت‌ها در توئیتر چگونه می‌توانند شکل بگیرند. با توجه به این که این موضوع، هنوز موضوعی تازه است که محققان مشغول تحقیق درباره آن هستند، نمی‌توان چارچوب نظری متقنی برای آن یافت. به همین دلیل، با مرور دیدگاه‌های موجود درباره روایت‌ها در توئیتر تلاش شد تا زمینه نظری مناسبی برای واکاوی این امر ایجاد شود. برای انجام تحقیق، دوره ۲۴ ساعته پس از زلزله کرمانشاه را در نظر گرفتیم، چرا که در این زمان، اوج واکنش‌ها به اخبار زلزله رخ داد. علاوه بر این، تحقیقات موجود عمدتاً به کنش‌های کاربران توئیتر در دل اتفاقات سیاسی یا اجتماعی پرداخته‌اند و این کنش‌ها در زمان حوادث طبیعی مغفول مانده‌اند. به این ترتیب، تلاش شد با تحلیل توئیتهای

تحلیل خوشه‌های به‌وجودآمده نیز نشان می‌دهد که روایت‌های وصلی و روایت‌های مرجع مسلط در این خوشه‌ها نیز حاضر هستند و این یافته‌های قبلی تحقیق را تایید می‌کند. در واقع، روایت وصلی اثر مسکن مهر در سه خوشه و روایت مرجع احمدی‌نژاد نیز در سه خوشه ظاهر شده‌اند. علاوه بر این، پیام‌های یک‌بعدی حاکی از همدردی و دادن اطلاعات نیز در خوشه‌ها حضور دارند که در گستره تحلیل این تحقیق قرار نداشتند. اما این بدان معناست که روایت‌مندی، تنها شیوه معنا بخشیدن به اتفاقات در توئیتر نیست، بلکه چارچوب‌بندی و قالب‌دهی نیز یک شیوه مرسوم برای اجرای این امر است. در این مورد، همدردی شیوه اصلی برای چارچوب‌دهی است و این با ذات حادثه‌ای چون زلزله و فضای عاطفی پس از وقوع آن همخوانی دارد.

جمع‌بندی

هدف این مقاله، شناسایی چگونگی شکل‌گیری و تحلیل

روایت‌های وصلی، از برهم کنش تعداد مختلفی توئیت شکل می‌گیرند که به موضوعی واحد پرداخته و اساس یک روایت را فراهم می‌کنند. این تم‌ها ساختار علی و زمانمند دارند و تلاش می‌کنند اتفاقات را از دید مخاطبان چارچوب‌بندی کنند. شناسایی این روایت‌ها می‌تواند مبنایی مناسب برای انجام تحقیقات بعدی در این حوزه باشد.

علاوه بر شناسایی نوع روایت‌های شکل گرفته در توئیت، روایت‌های مسلط نیز شناسایی شدند. نتایج نشان می‌دهد که روایت‌های جامع و روایت‌های وصلی مسلط اغلب انتقادی و سیاسی هستند. این روایت‌ها در واقع به انتقاد از نقش حکومت در بالا رفتن خسارت‌های ناشی از زلزله و تعلل در کمک‌رسانی به آسیب دیدگان می‌پردازند. در این تحقیق، انتقاد از حکومت و اثرات مسکن مهر بر بالا رفتن تلفات و خسارت‌ها، بن‌مایه اصلی روایت‌های مرجع و روایت‌های وصلی هستند. البته روایت‌های متضاد نیز شکل می‌گیرد که تلاش می‌کند در نقطه مقابل نشان دهد اوضاع آرام و تحت کنترل است اما این روایت‌ها نتوانسته‌اند به روایت‌های هژمونیک تبدیل شوند. هر چند ساخت روایت‌ها تنها راهکار کاربران برای معنا بخشیدن به زلزله نیست و قالب‌بندی یک شیوه مهم است. اغلب کاربران با همدردی کردن با قربانیان و بازماندگان، معنایی عاطفی از این حادثه بر ساخت کرده‌اند. این تحقیق با توجه به خلأ تحقیقات در این زمینه، می‌تواند نقطه آغازی باشد تا با تحلیل کنش‌های کاربران در توئیت در اتفاقات مختلف بتوان فضای حاکم بر جامعه ایران را شناسایی و تحلیل کرد.

ارسال شده در ساعات پس از زلزله، مشخص شود که روایت‌ها چگونه در توئیت فارسی شکل می‌گیرند.

یافته‌های تحقیق نشان داد که سه نوع روایت در توئیت شکل می‌گیرد: روایت‌های منفرد، روایت‌های مرجع و روایت‌های وصلی. روایت‌های منفرد اغلب به بازگو کردن داستان‌های شخصی و فردی مبتنی بر تجربیات کاربران می‌پردازد. این نوع از روایت شباهت زیادی به آنچه که درایت (۲۰۱۵)، داستان‌های خرد می‌نامد دارد. اما تفاوت در آنجاست که داستان‌های خرد عملاً می‌توانند در چند توئیت منتشر شوند و دامنه مخاطبان آن محدود به دوستان و آشنایان کاربر است اما روایت‌های منفرد گرچه داستان‌های شخصی‌اند اما رویکرد آنها اجتماعی است و در دل حوادث سیاسی و اجتماعی روایت می‌شوند. در واقع بازگو کردن تجربیات افراد در این رخدادهاست، نه صرفاً بازگو کردن تجربیات زندگی روزمره مانند رفتن به کلاس‌های ورزشی یا خاطرات روزانه. نوع دوم روایت‌ها نیز شباهت زیادی به آنچه که روایت‌های دست دوم (گیسون و براون، ۲۰۰۹) نامیده می‌شود دارد. روایت‌های دست دوم در علوم اجتماعی، روایت‌هایی است که محققان براساس داده‌های تحقیق می‌سازند و لزوماً توسط افراد بازگو نشده‌اند. در اینجا نیز، روایت‌های جامع توسط مخاطبان بر ساخت می‌شوند و هر چند از پیش در بطن جامعه موجودند اما به شکل روایت‌های منسجم و کامل نیستند، بلکه خصلتی سیال دارند و برای هر قسمت از روایت می‌توان کنش‌های مختلفی را برشمرد. در نهایت روایت‌های وصلی در توئیت پدیدار می‌شوند.

منابع

- Bamberg, M., & Georgakopoulou, A. (2008). Small stories as a new perspective in narrative and identity analysis. *Text & Talk*, 28(3), 377–396.
- Barnard, S. R. (2016). 'Tweet or be sacked': Twitter and the new elements of journalistic practice. *Journalism*, 17(2), 190–207.
- Boczkowski, P. J., & Papacharissi, Z. (2018). *Trump and the Media*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Bode, L., & Dalrymple, K. E. (2016). Politics in 140 Characters or Less: Campaign Communication, Network Interaction, and Political Participation on Twitter. *Journal of Political Marketing*, 15(4), 311–332.
- Carafano, J. J. (2009). All a Twitter: How Social Networking Shaped Iran's Election Protests. *The Heritage Foundation* (Vol. 4999). Retrieved from <http://www.heritage.org/research/reports/2009/07/all-a-twitter-how-social-networking-shaped-irans-election-protests>
- Cho, S. E., Jung, K., & Park, H. W. (2013). Social Media Use during Japan's 2011 Earthquake: How Twitter Transforms the Locus of Crisis Communication. *Media International Australia*, 149(1), 28–40.
- Creswell, J.W. (2007) *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Approaches* (3rd). Thousand Oaks,

- CA: Sage.
- Czarniawska, B. (2004). *Narratives in social science research*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Dayter, D. (2015). Small stories and extended narratives on Twitter. *Discourse, Context and Media*, 10 (2012), 19–26.
- Georgakopoulou, A. (2007). *No Small Stories, Interaction and Identity*. Amsterdam: Benjamins.
- Georgakopoulou, A. (2014). Small stories transposition and social media: A micro-perspective on the ‘Greek crisis.’ *Discourse & Society*, 25(4), 519–539.
- Georgakopoulou, A. (2016). Small Stories Research: A Narrative Paradigm for the Analysis of Social Media. In L. Sloan & A. Quan-Hasse (Eds.), *The SAGE Handbook of Social Media Research Methods* (pp. 266-281). London: SAGE Publications Ltd.
- Gibson, W., & Brown, A. (2009). *Working with Qualitative Data*. London: SAGE Publications.
- González-Bailón, S. (2015). Social Protest and New Media. In International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences: Second Edition. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8.95076-1>
- Hermida, A. (2010). Twittering the news: The emergence of ambient journalism. *Journalism Practice*, 4(3), 297–308.
- Hinchman LP, & Hinchman S (1997) *Memory, Identity, Community: The Idea of Narrative in the Human Sciences*. Albany, NY: State University of New York Press.
- Hjorth, L., & Kim, K. Y. (2011). The Mourning After. *Television & New Media*, 12(6), 552–559.
- Hooshmand, K. (2015, July). “Soft Power” and its manifestations in international diplomacy. CGCS Media Wire. Retrieved from: <http://www.global.asc.upenn.edu/soft-power-and-its-manifestations-in-international-diplomacy/>
- Hopke, J. E. (2015). Hashtagging Politics: Transnational Anti-Fracking Movement Twitter Practices. *Social Media + Society*, 1(2), 1-12.
- Jackson, S. J., & Foucault Welles, B. (2016). #Ferguson is everywhere: initiators in emerging counter public networks. *Information, Communication & Society*, 19(3), 397–418.
- Jane, E. (2005). *Using Narrative in Social Research*. London: SAGE Publications Ltd.
- KhosraviNik, M. (2017). Social media critical discourse studies (SM-CDS). In J. Flowerdew & J. Richardson (Eds.), *Routledge handbook of critical discourse studies* (pp. 582–596). London: Routledge.
- Labov, W. (1972). *Language in the inner city*. Philadelphia, PA: University of Pennsylvania Press.
- Labov, W., & Waletzky, J. (1997). Narrative Analysis: Oral Versions of Personal Experience. *Journal of Narrative and Life History*, 7(1–4), 3–38.
- Manovich, L. (2001) *The Language of New Media*. Cambridge, MA; London: The MIT Press.
- Marchant, J., Ormson, T., Honari, A., & Sabeti, A. (2018). #iranvotes2017: Analysing the 2017 iranian presidential elections through Telegram, Twitter and Instagram. London: Small Media.
- Marchant, J., Sabeti, A., Bowen, K., & Kelly, J. (2016). #IranVotes: Political Discourse on Iranian Twitter during the 2016 Parliamentary Elections. Retrieved from <https://smallmedia.org.uk/work/iranvotes>
- Meraz, S., & Papacharissi, Z. (2013). Networked Gatekeeping and Networked Framing on #Egypt. *The International Journal of Press/Politics*, 18(2), 138–166.
- Morozov, E. (2009). Iran: Downside to the “Twitter Revolution.” *Dissent*, 56(4), 10–14.
- Ochs, E., & Capps, L. (2001). *Living Narrative: Creating Lives in Everyday Storytelling*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Ollerenshaw, J. A., & Creswell, J. W. (2002). Narrative Research: A Comparison of Two Restorying Data Analysis Approaches. *Qualitative Inquiry*, 8(3), 329–347.
- Page, R., Harper, R., & Frobenius, M.

- (2013). From small stories to networked narrative: The evolution of personal narratives in Facebook status updates. *Narrative Inquiry*, 23(1), 192–213.
- Papacharissi, Z. (2014). *Affective Publics: Sentiment, Technology, and Politics*. New York, NY: Oxford University Press.
- Papacharissi, Z., & De Fatima Oliveira, M. (2012). Affective News and Networked Publics: The Rhythms of News Storytelling on #Egypt. *Journal of Communication*, 62(2), 266–282.
- Roselle, L., Miskimmon, A., & O'Loughlin, B. (2014). Strategic narrative: A new means to understand soft power. *Media, War & Conflict*, 7(1), 70–84.
- Sadler, N. (2018). Narrative and interpretation on Twitter: Reading tweets by telling stories. *New Media & Society*, 20(9), 3266–3282.
- Saldaña, J. (2015). *The coding manual for qualitative researchers*. London: SAGE.
- Shaw, A. (2017). Encoding and decoding affordances: Stuart Hall and interactive mediatechnologies. *Media, Culture & Society*, 39(4), 592–602.
- Tufekci, Z. (2017). *Twitter and Tear Gas: The Power and Fragility of Networked Protest*. Yale University Press.
- Udupa, S. (2018). Gaali cultures: The politics of abusive exchange on social media. *New Media & Society*, 20(4), 1506–1522.
- van Dijk, T. A., & Kintsch, W. (1983). *Strategies of discourse comprehension*. New York, NY: Academic Press.
- Wojcieszak, M., & Smith, B. (2013). Will politics be tweeted? New media use by Iranian youth in 2011. *New Media & Society*, 16(1), 91–109.
- Zappavigna, M. (2015). Searchable talk: the linguistic functions of hashtags. *Social Semiotics*, 25(3), 274–291.